

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

خالق داد پیغمانی – مونشن

10/09/13

نیرنگ جدید سی ای ای

با عرض پوزش خدمت آن عده از خوانندگانی که می خواهند با مراجعه به نوشته های من لبخند گذرائی بر لبان خشکیده شان بیاورند، این نوشته شاید خنده نداشته باشد. نوشتم شاید چون هنوز نمی دانم آنچه بر کشور ما می گذرد "طنز روزگار" است و باید بر آن خندید و یا این که مصیبت نامه ایست که باید بر آن گریست. در هر صورت آنچه را می اندیشم خدمت شما خوانندگان صبور – اگر عصبانی نشوید "گوسفندی" - تقدیم می دارم، می خواهید بر آن بخندید و یا بر خود بگریزید، اختیار دست خودتان است.

فراز و نشیب های متعدد زندگی طی این سه دهه و مجالست با افراد چیز فهم و دور اندیش به من "یلدنگ خدا" آموخته که وقتی چیزی را می بینم و یا می شنوم، قبل از آنکه از خوشحالی "شادی مرگک" و یا از غصه و غم "زهره ترق" شوم اندکی به کله موضوع خود را مصروف بسازم و با "صبر ایوبی" منتظر گردم تا در پشت قضیه چه چیزی پنهان شده است. همین روش هر چند در بسیاری از موارد موقعیت را از دستم ربوده و گذشته از بی عملی، سروصدای سر قومندان اعلی را نیز بلند نموده که گویا من آدم بی دست و پائی هستم و با این صبر و حوصله خداداد، همیشه در آخر صف مانده ام، مگر یک امتیاز را نیز با خود داشته است که در قضاوت ها کمتر دچار اشتباه شده ام و در نتیجه از هول حلیم به دیگ نیفتاده ام. باز هم که این قلم لعنتی، رفت به دنبال اینکه من چگونه ام و چگونه می اندیشم، چاره چیست وقتی انسان پیر و زمینگیر شد زور انسان به مغز و قلم خودش هم نمی رسد تا چه رسد به سر قومندان.

این بار مسأله روی نوشته آقای "باری جهانی" و "چه باید کرد" را که طرح نموده است، می باشد. از شما چه پنهان وقتی مدتی قبل از طرف تعدادی از دوستان و آشنایان دور و نزدیک دیدم و شنیدم که همه تلاش دارند تا به زیر خاکستر "باری جهانی" کوره دمگری را چالان کرده، هی می کوشند تا از خاکستر برجامانده از "حزب دموکراتیک خلق - جناح خلق - گروه ظاهر افق" یک قوغ آتش بسازند، همیشه در فکر بودم که در پشت این خواست ها و تلاش ها چه پنهان شده است. آیا این افرادی که به این کار عبث مشغول اند گذشته وی را نمی دانند و از آن اطلاع ندارند که وی زمانی از سرسپردگان "شوروی کبیر" بود و فقط به خاطر برخی مسایلی که رهبر محلی اش "ظاهر

افق" با "حفیظ الله" امین پیدا کرد، با حفظ علایق ایدئولوژیک و تعهدات "انترناسیونالیستی" به شوروی و به مانند همه اعضای آن حزب به استخبارات آن کشور، فقط اختلاف تشکیلاتی با آن حزب پیدا کرد، و یا آن را نمی دانستند که با آمدن روسها در افغانستان کرسیهای را در رادیو تلویزیون نوکران روس زیر پا داشت و یا این را نمی دانستند که وی مانند اکثر جواسیس کارگشته سراز به اصطلاح "اکادمی علوم وابسته به روس" کشید و یا باز هم از آن خبر ندارند که در تمام دوران حاکمیت جهل و جنایت طالبی، نزدیک ترین رابطه را با "ملا عمر" و باندش داشته حد اقل سال یک بار برای تازه ساختن بیعت - بخوانید قشقه - برای آن ملای نوکراجانب، قاتل مردم و نابود کننده فرهنگ و تمدن ما به "دارالامارت قندهار" مشرف شده نور چشم و پول خرید خانه را کمائی می نمود و یا از تمام آنها گذشته مگر فراموش کرده اند که وی به حساب یک کارمند دولت فدرال آنهم در یکی از مهمترین مؤسساتی که وظیفه بازی دادن مردم ما و مردم جهان را به عهده داشته و کارمندی در سطح وی نمی توانند از حمایت "از ما بهتران" برخوردار نباشند و از همان تریبون با سرودن شعر به اصطلاح "سرود ملی" - اگر میم آنرا به ضمه بخوانید اشکال حل می شود- در عمل در پای تجاوز استعمار گران و مولود ناپاکش سجده بندگی زده است، چه شده است که مردم همه مطالب را فراموش کرده و چنان با بوق و سرنا به تبلیغ از وی مشغول هستند که حتا حرمت خواننده خوش آواز کشور بیچاره "رحیم جهانی" را که سالها قبل از غسل "باری" در "پاتو" با آن تخلص شهره جهان شده بود نیز نادیده می گیرند.

هنوز این سؤالاتم حل نشده بود، که شنیدم "باری جهانی" با مرض سرطان مجبور است دست و پنجه نرم کند. از این خبر سخت ناراحت شدم مگر نه بدان خاطر که گویا چیزی را این ملت فقیر از دست می دهد بلکه بدان خاطر که باز هم دست یغماگر مرگ گلوی کسی را گرفت که می بایست مطالب زیادی را برای تاریخ می گفت. هنوز از این اندوه رها نشده بودم که باز هم شنیدم از جانبی با خانمی که می تواند حکم دخترش را داشته باشد مجدداً ازدواج نموده و از طرف دیگر از کار نیز به تقاعد سوق داده شده است.

باور کنید از شنیدن این همه اخبار ضد و نقیض اولین کاری کردم بر سر خود دست کشیدم چون ترس برم داشت که نکند شاخ کشیده باشم. وقتی مطمئن شدم که از شاخ خبری نیست، شکر ایزد به جا آورده، مترصد بودم ببینم بعداً چه خواهد شد.

تا اینکه چندی پیش شنیدم به خاطر بزرگداشت از خدمات فرهنگی "باری جهانی" در سویدن از وی تجلیل به عمل می آید. با آنکه اصل آن خبر می توانست شک بر انگیز باشد که وی چه گلی بر سر این مردم زده است که از وی تجلیل به عمل می آورند، فکر کردم، خوب چند تن می خواهند گرد هم بنشینند و از چیزی بگویند، اینبار "جهانی" را نقل مجلس ساخته اند در نتیجه سکوت کردم و صدایم بیرون نشد که چه خیر است و چرا باید از خاینان به وطن تجلیل صورت گیرد.

به همین سان وقتی خواندم که "اکرم عثمان" در تعریف خود از وی نقطه پایان بر تکامل اجتماعی ملیت پشتون و زبان پشتو گذاشته است و یا مدافعه گری آزرم "اعظم سیستانی" که بدون استثناء طی تمام دوران ننگین حیاتش همیشه به دنبال کاروان دویده و این خصوصیت را از همان زمان متعلمی و محصلی شروع و حین اجرای وظیفه معلمی به مثابه گوش "صالح فضل" مدیر لیسه نادریه ادامه داد تا رسید به نوکران روس، مسعود، ملا عمر و کرزی، با پستی یک موجود حقیر در جمع مردم از جا برخاسته و با بوسیدن دستهای "جهانی" و آنها را به چشم خویش مالیدن سقوط را لایتناهی ادامه داده است، اندکی به فکر افتادم که حتماً زیر کاسه کدام نیم کاسه است و رنه سیستانی به چنین کاری دست نمی زد

به دوام ماجرا وقتی خواندم که عده ای از خود فروختگان مصروف آن اند تا از وی شخصیتی بسازند و داکتر صاحب سیاه سنگ را که جرأت نموده و کاستی های کتابش را علنی ساخته بود در زیر رگبار اجیران رنگارنگ قرار گرفته و به تنهایی و شجاعانه می خواهد از موقف سالم خود دفاع نماید، ضمن آنکه توجهم بیشتر به طرف قضیه جلب شد، یادداشت مختصری نیز از بی فرهنگی مدافعان "جهانی" خدمت پورتال تقدیم داشتم. که با تأسف اقبال نشر نیافت و بعداً خواندم که پورتال خود از لحاظ سیاسی موضع گیری نموده و می خواهد جهانی را به "چهار میخ" تاریخ بکشد.

ماجرا هر چند در تدام خود دلچسب تر می شد مگر نمی توانستم بفهمم که تمام این بوزینه بازی ها برای چیست؟ تا اینکه خدا پدران "جهانی" را غریق رحمت خود نماید، خودش قلم برداشته و چه باید کرد خود را نوشت. حال فکر می کنم قضیه حل شده است. زیرا تمام قطعات مجزا را وقتی انسان پهلوی هم قرار دهد می بیند که یک تصویر درشت و جلی از آن خود را ظاهر می سازد. تصویر "نیرنگ جدید س. آی. آی." زیرا :

- 1 همه شاهدیم که ناتو در کل به ناتوانی خود به ادامه اوضاع اقرار داشته است.
- 2 به علاوه افراد مستقل، نیروهای رقیب نیز در همه جا می کوشند تا بدیلی برای حاکمیت فعلی مطرح ساخته از زمین تا آسمان فضای کشور را جرگه سازی زیر نام تلاش به خاطر صلح پر نموده است.
- 3 در چنین حالتی سی آی ای بعد از قبول اینهمه مصرف نمی تواند با بدیل خود در فضای جرگه سازی حضور نیابد. این بدیل کیست و چه کسی می تواند باشد؟ کسیکه از حد اعلای اعتماد سی آی ای برخوردار بوده و با کار چندین ساله و داشتن تماس های خوب با ملا عمر زیاد نفرت انگیز جلوه نکند. و این همان "باری جهانی" می تواند باشد.
- 4 به محض پیشنهاد "باری جان" - در املاء اشتباهی وجود ندارد- افرادی که همیشه منتظرند تا در چنین روز هائی سر بلند کنند از اطراف شروع کردند به حمایت از طرح وی. معلومدار است که محراق تجمع لاشخوران هم نمی تواند جای دیگری باشد به غیر از "افغان جرمن آنلاین"
- 5 سیستانی که ثابت ساخته است در تشخیص نفر بعدی از شامه ای بس قوی برخوردار است و می تواند از فرسنگ ها دورتر بوی قدرت را استشمام کند، این بار در وجود "جهانی" بدیل کرزی را دیده است که با بوسیدن دستانش و مالیدن آنها به چشم خویش، می خواهد به حیث اولین "بیعت کننده" چوکی و مقام خود را برای آینده تضمین نماید.
- 6 اینکه گردش روز گار چگونه ادامه خواهد یافت درک آن زیاد مغلق به نظر نمی خورد. آنچه مطمئناً می توان گفت تا هنوز سیر سقوط سیستانی و توطئه های سی آی ای به اتمام نرسیده و همچنین ادامه خواهد یافت.
- 7 در صورتیکه این نوشته ام هم اقبال نشر نیابد کاری می کنم که کارستان. یعنی باز هم می نویسم و باز هم برایتان می فرستم و اینکار را آنقدر ادامه خواهم داد تا به تجربه معنای "روی نیست سنگ پای است" را دریابد.